

امتحانات متمرکز تکمیلی (سطح ۳)

نیم‌سال اول ۹۵-۹۶

رشته‌های تفسیر، تاریخ، اخلاق و ادبیات عرب و ورودی مهر ۹۵

مهر مدرسه

صورتی: ساعت برگزاری: ۱۰ صبح	نمره: ۱۴	مست پانگول: ۷۰ دقیقه
غیرصورتی: ساعت برگزاری: ۱۰ صبح	نمره: ۱۶	مست پانگول: ۸۰ دقیقه

شماره یا نام مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حرف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حرف

کد آزمون:	۳۹۵۱/۱۲
تاریخ:	۱۳۹۵/۱۰/۲۳
عنوان:	اصول فقه ۱
کتاب:	اصول الفقه مرحوم مظفر
مردود:	جلد اول و دوم: از ابتدای کتاب تا ابتدای عام و خاص (ص ۱۸۸-۴۷) به استثنای اوامر و نواهی (ص ۱۵۲-۱۰۵)

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد طلایی: مدرس علی: شهرستان: استان:

۰/۵

۱- استدلال بر وجوب «وفای به عقد» به وسیله آیه شریفه «أوفوا بالعقود» (مانده: ۱) چه نوع دلیلی است؟ ص ۵۰

الف. اجتهادی

ب. فقهاتی

ج. اصولی

د. واقعی

۰/۵

۲- «وضع» در کدام گزینه «نوعی» است؟ ص ۶۷ و ۶۸

الف. وضع «الذی» برای صلّه

ب. وضع «ان» برای بیان شرطیت

ج. وضع «انسان» برای حیوان ناطق

د. وضع هیأت «فاعل» برای اسم فاعل

۰/۵

۳- بنا بر نظر مرحوم مظفر (ره) ثمره نزاع بین صحیحی و اعمی چیست؟ ص ۸۵

الف. صحة رجوع الصحیحی الی اصالة الاطلاق

ب. صحة رجوع الاعمی الی اصالة الاطلاق

ج. صحة رجوع الصحیحی الی اصالة العموم

د. صحة رجوع الاعمی الی اصالة الحقیقة

۰/۵

۴- «فحوی الخطاب» چیست؟ ص ۱۵۷

الف. لازم عقلی

ب. لحن خطاب

ج. مدلول التزامی

د. مفهوم موافق

۰/۵

۵- دلالت جمله شرطیه بر انحصار شرط به موجب چه امری است؟ ص ۱۶۲

الف. اطراد

ب. اطلاق

ج. صحت حمل

د. مقدمات حکمت

۰/۵

۶- مفهوم غایت در عبارت «صم حتی تغیب الشمس» کدام است؟ ص ۱۷۴

الف. افطر بعد ان تغیب الشمس

ب. یجب الصوم قبل ان تغیب الشمس

ج. لا یجب الصوم بعد ان تغیب الشمس

د. لا یجب الافطار بعد ان تغیب الشمس

۲

۷- اقسام چهارگانه «وضع» را نام برده، وجه تقسیم‌بندی را توضیح دهید. ص ۵۵ و ۵۶ - ۲ نمره

جواب: معنای متصور برای وضع گاهی عام است یعنی کلی است و گاهی خاص است یعنی جزئی است و این معنا گاهی بوجهه و بالاجمال، محکی را می‌نمایاند و گاهی بنفسه (۱ نمره) در نتیجه وضع در نظر بدوی چهار قسم می‌شود: ۱. وضع خاص و موضوع له خاص یعنی معنای متصور جزئی و موضوع له همان معنای جزئی است. ۲. وضع عام و موضوع له عام یعنی معنای متصور کلی و موضوع له همان معنای کلی است. ۳. وضع عام و موضوع له خاص یعنی معنای متصور کلی ولی موضوع له معنای جزئی است. ۴. وضع خاص و موضوع له عام که استحاله دارد یعنی معنای متصور جزئی است ولی موضوع له آن کلی است. (۱ نمره)

۸- کاربرد اصول لفظیه مانند «أصالة العموم» و «أصالة الاطلاق» چه تفاوتی با کاربرد علائم حقیقت و مجاز دارد؟ ص ۷۳ - ۱ نمره

جواب:

اصول لفظیه بعد از علم به وضع الفاظ، برای فهم مراد متکلم به کار می‌روند ولی علائم حقیقت و مجاز برای به دست آوردن موضوع له الفاظ کاربرد دارند.

۹- مراد از حقیقت شرعیه چیست؟ و فائده نزاع در ثبوت حقیقت شرعیه کدام است؟ ص ۸۲ - ۲ نمره

جواب: حقیقت شرعیه: انتقال معانی الفاظ عبادات و معاملات در زمان رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به معانی جدید (شرعی) به نحو تعیینی یا تعینی را حقیقت شرعیه گویند. فائده: الفاظی که در کلام شارع بدون قرینه آمده‌اند چه در قرآن و چه در کلام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، بنابر حقیقت شرعیه بر معنای جدید حمل می‌شود و بنابر حقیقت متشرعه به معنای لغوی حمل می‌شود.

۱۰- محل نزاع در استعمال مشتق را با مثال تبیین نمایید. ص ۹۷ - ۲ نمره

جواب: محل نزاع اصولیان در بحث مشتق پیرامون ذاتی است که تلبسش به مبدأ اشتقاق، در گذشته روی داده، و در حال حاضر منقضی شده است. در این حالت می‌خواهند بدانند که اطلاق آن وصف به آن ذات، عند انقضاء التلبس یعنی بعد از منقضی شدن تلبس، حقیقت است یا مجاز. به عنوان مثال زیدی که در روز گذشته ضارب بود و الان در حال زدن نیست می‌توان به او ضارب اطلاق کرد یا نه؟

۱۱- تعارض بین مفهوم و منطوق دو روایت «إذا خفی الأذان فقصر» و «إذا خفیت الجدران فقصر» و نظر مصنف (ه) در رفع تعارض را با

دلیل بنویسید. ص ۱۶۳ و ۱۶۴ - ۲ نمره

جواب: تعارض بین دو روایت: روایت اول بنابر منطوقش تنها علت قصر را خفاء اذان می‌داند و مفهومش هر علت دیگری را نفی می‌نماید ولی منطوق روایت دوم تنها علت را خفاء جدران و مفهومش نیز هر علت دیگری را نفی می‌کند، پس بین منطوق هر روایت با مفهوم روایت دیگر تعارض واقع می‌شود. (۱ نمره)
نظر مصنف در رفع تعارض: منشأ تعارض ظهور هر دو روایت در انحصار است، یعنی هر کدام بنابر مفهومش فقط خودش را علت قصر نماز می‌داند، و چون ظهور منطوق اقوی از ظهور مفهوم است، منطوق هر جمله قرینه بر نفی مفهوم جمله دیگر است و علت انحصاری هر دو جمله منتفی می‌شود یعنی هر کدام یک علت مستقل برای قصر نماز هستند. (۱ نمره) (رساندن مفهوم کافی است).

۱۲- تفاوت میان دلالت اقتضاء و تنبیه را بیان نموده برای هر یک مثال بنزید. ص ۱۸۶ س ۷ - ۲ نمره

جواب: در دلالت اقتضاء صدق کلام یا صحت آن متوقف بر آن دلالت است ولی در دلالت تنبیه این گونه نیست و فقط سیاق کلام بگونه‌ای است که به خاطر این دلالت قطع حاصل می‌شود به اراده آن لازم و یا اینکه عدم اراده آن لازم بعید می‌نماید. مثال برای دلالت اقتضاء: لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام به تقدیر احکام و آثار؛ و مثال برای دلالت تنبیه: انی عطشان برای دلالت بر طلب آب.

* سؤال زیر مختص طلاب غیر حضوری مکاتبه‌ای می‌باشد:

۱۳- دو مورد از ادله قائلین به مفهوم وصف را به همراه پاسخ آن بیان کنید. ص ۱۷۲ - ۲ نمره

جواب: ۱. اگر وصف بر انتفاء حکم هنگام انتفاء وصف دلالت نکند فائده‌ای نخواهد داشت، (۵/۰ نمره) جواب: فائده وصف منحصر نیست در اینکه به حکم مربوط باشد بلکه محدود کردن موضوع حکم و مقید نمودن موضوع نیز به عنوان فائده وصف کافی است. (۵/۰ نمره)
۲. وصف، مشعر به علت است لذا لازم است که حکم منوط به آن باشد؛ (۵/۰ نمره) جواب: این مشعر بودن هر چند مسلم است اما تا زمانی که به اندازه ظهور نرسد برای دلالت بر مفهوم کفایت نمی‌کند. (۵/۰ نمره)
۳. اصل در قیود این است که احترازیه باشد. جواب: این مسلم است ولی معنای احتراز، تضييق دایره موضوع و اخراج ماسوای قید از شمول شخص حاکم بر اوست و این به معنای مفهوم داشتن نیست.
۴. استدلال به جمله‌هایی که دلالتشان بر مفهوم ثابت شده است. مثل «مطل الغنی ظلم» جواب: ما دلالت تقييد به وصف را در جایی که قرینه باشد نفی نمی‌کنیم بلکه موضوع بحث ما جایی است که وصف فقط خودش باشد نه قرینه.